جبران کاهش ارزش پول از نگاه فقه

محمدعارف نجفی[1]

چکیده

یکی از مباحثی که در عرصه بانکداری مطرح است، بحث تورم، کاهش ارزش پول و چگونگی جبران آن از نگاه فقه است. از ویژگی‌های بارز اقتصاد قرن اخیر، وجود نرخ‌های تورم دو رقمی در مقاطع زمانی بلندمدت است؛ که این مسئله موجب پایین آمدن ارزش پول و پدیدار شدن مشکلات اقتصادی پیچیده‌ای در معاملات مدت‌دار و بدهی‌های معوقه می‌شود. در چنین حالتی آیا ادای بدهی مطابق با مبلغ اسمی اولیه، موجب برائت ذمّه می‌شود یانه؟ موافقان و مخالفان لزوم جبران کاهش ارزش پول، نگاه متفاوت نسبت به ماهیت پول دارند و استناد به مثلی و یا قیمی بودن پول، از مهم‌ترین دلایل هر دو گروه است.

این نوشتار در پی جبران کاهش ارزش پول از نگاه فقه و ماهیت پول از جهت مثلی و قیمی است و برای این امر از روش توصیفی- تحلیلی، به بررسی دیدگاه‌های مختلف فقها و اندیشمندان و انواع توجیهات آن‌ها در این زمینه پرداخته است. در این مقاله ضمن تاکید بر نقطه عطف تغییر ماهیت پول امروزی، مشخص می‌شود که پول امروزی یک پدیده‌ای مستحدثه است و احکام فقهی و حقوقی جدیدی می طلبد تا اطمینان و امنیت بیشتری در تمام روابط پولی حاصل شود. نظریه جبران کاهش ارزش پول و قدرت خرید درباره ماهیت پول به دلایلی ترجیح دارد.

کلید واژه: جبران کاهش ارزش پول، بانکداری اسلامی، فقها، فقه اسلامی، قدرت خرید.

---

[1]. دانش‌پژوه دکتری اقتصاد، جامعه المصطفی(ص) العالمیه. Najafi٤u@gmai.com

مقدمه

پول یکی از پدیده های پیچیده اقتصادی است و بسیار ضروری است تا به عنوان یک موضوع فقهی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. اگر نظام بانکی بخواهد در ارتباط با پول، هم از نظر شرعی و هم از نظر کارآیی، صحیح عمل کند، باید سه کار اساسی مترتب برهم را به صورت دقیق انجام پذیرد:

۱. شناخت کافی از ماهیت و ویژگی‌های پول

۲. مشخص شدن حکم فقهی آن

۳. به کارگیری سیاست‌های متناسب پولی

در اسلام و نظام بانکداری اسلامی، نحوه به کارگیری پول و سیاست‌های مرتبط به آن، بستگی به احکامی دارد که فقیه بر آن مترتب کرده است، از این رو اگر ماهیت پول و ویژگی‌های آن به طور دقیق مشخص نشود، ممکن است احکام که روی آن مترتب می‌شود به نحو صحیح معلوم نگردد و در نتیجه سیاست‌گذاران پولی و بانکی، سیاست درست و منطقی را اجرا نکند. به عنوان مثال اگر شخصی مبلغ معینی را از کسی دیگر به‌عنوان قرض الحسنه دریافت کند، اگر در این مدت ارزش پول به نصف تقلیل یافت، آیا هنگام پرداخت، قرض گیرنده باید همان مبلغ اسمی را پرداخت نمایید یا اینکه بخاطر کاهش ارزش پول در طول این مدت، علاوه بر پرداخت مبلغ فوق، مبلغی به میزان تورم و کاهش ارزش پول نیز پرداخت نمایید؟ آیا پرداخت مازاد ربا محسوب می شود یانه؟ در نظام بانکداری و پولی نیز این بحث مطرح می‌شود که سپرده‌های بانکی اعم از سپرده‌های جاری، قرض الحسنه و مدت دار در صورتی که تورم قابل توجهی وجود داشه باشد چه باید کرد؟ آیا جبران کاهش ارزش پول لازم است یانه؟

دراین پژوهش نظریات مختلف فقها که در مورد جبران کاهش ارزش پول وجود دارد، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم

دیدگاه اول؛ نبود ضمان کاهش ارزش پول

برخی از فقها معتقدند که اگر شرایط اقتصاد جامعه طوری باشد که در اثر تورم، ارزش پول با کاهش مواجه شود، جبران آن بر عهده مدیون نمی‌باشد و پرداخت بدهی باید به

اندازه ارزش اسمی آن صورت گیرد. بنابراین ارزش و قدرت خرید اسمی ملاک و معیار است، در نتیجه حتی اگر در اثر تورم ارزش و قدرت خرید پول کاهش چشمگیری پیدا کند، قابل جبران نیست. این گروهی از فقها، در حکم به عدم ضمان کاهش ارزش پول به دلایل مستند نموده اند که در ادامه به برخی آن اشاره می‌گردد.

دلیل اول: مثلی بودن پول

با توجه به دگرگونی ماهیت پول، این سوال مطرح می‌شود که ماهیت پول‌های امروزی چگونه است؟ آیا پول از اموال مثلی است یا از اموال قیمی؟ اهمیت این مسأله در این است که فقها در عصر حاضر نوعاً فتوا می‌دهند افت ارزش پول، ضمان ندارد و مبنای فتوای آن‌ها این مسأله است که پول از اموال مثلی است و در اموال مثلی، افت قیمت لحاظ نمی‌شود. در پاسخ به این سوال چند نظریهٔ وجود دارد. برخی معتقد هستند که پول قیمی است، برخی معتقدند که پول مثلی است.

نظر مشهور فقهی، پول را هم‌چون مسکوکات طلا و نقره مثلی می‌داند و معتقد است که پول همانند تمامی اموال مثلی دیگر، کاهش یا افزایش قدرت خرید یا ارزشمندی آن، تأثیری در وظیفه ضامن ندارد لذا در صورت کاهش ارزش پول، متعهد به چیزی بیشتر از مثل مبلغ اولیه و در صورت افزایش ارزش آن به کمتر از آن متعهد نیست.(طباطبایی یزدی، ١٣٧٤، ٢٧٩؛ امام خمینی، ١٣٨٠، ٢، ٢٩١؛ خویی، ١٣٧١، ٣، ١٥٣؛ فاضل لنکرانی، ١٣٧٥، ٣٢٢؛ کاتوزیان، ١٣٨٧،٤، ٤٢-٤٦). براساس این دیدگاه چیزی که باید جبران شود همان پول است که باید همان اعتبار پول اولیه را داشته باشد؛ یعنی هزار تومان در هر زمان باید هزار تومان پرداخت شود.

حضرت امام خمینی می‌فرمایند: «لو أقرض زیدا نقدا معینا أو باعه شیئا بنقد معین کالليرة إلی أجل معلوم و زاد سعر ذلک النقد أو نقص عند حلول الأجل عن سعر یوم الاقراض أو البیع لا یستحق إلا عین ذلک النقد، ولا ینظر إلی زیادة سعره و نقصانه(موسوی خمینی، ج١، ٤٢٤). اگر نقد معینی را به زید قرض دهد یا چیزی را با نقد معین به صورت مدت‌دار به او بفروشد و قیمت آن نقد در زمان پرداخت بالا رفت یا پایین آمد فقط همان نقدی که مشخص شده را می‌تواند بگیرد و توجهی به بالا یا پایین آمدن قیمت آن نمی‌شود.

پول در زمره اموال مثلی است و بنا بر قاعده‌ی مشهور«ضمان مثلی به مثل »، جبران کاهش ارزش آن جایز نیست و آنچه بر ذمه‌ی بدهکار است فقط مثل پول بر حسب مشخصات ظاهری آن اعم از عدد، رقم، رنگ و... است(سیستانی، پاسخ به نامه شماره ٥٦/١٩٦/١٣ و مورخه ١٣٧٥/٧/٢٤).

قائلین به این دیدگاه در تقویت مدعای خود چنین استدلال می‌کنند که هر چیز مثلی اوصاف گوناگون دارد باید بدانیم کدام یک از این اوصاف در مثلی بودن آن، دخالت دارد؟

- گاهی این اوصاف، اوصاف ذاتی شیء هستند (مانند سیاهی و سفیدی)
- گاهی این اوصاف، اوصاف نسبی هستند که به ابزار سنجش و مقایسه با خاستگاه نیاز استعمالی یا مصرفی بر می‌گردد.
- گاهی این اوصاف، اوصاف نسبی ناشی از مقایسه کالا با سایر کالاها یا اموال هستند. مانند؛ ارزانی و گرانی و قدرت خرید. این اوصاف، اوصاف ذاتی شیء شمرده نمی‌شوند. بنابراین دگرگونی ناشی از آن یا گران شدن یک کالا یا کم و زیاد شدن قدرت خرید مجسم در آن به ذات آن کالا بر نمی‌گردد(علی اکبر ایزدی فرد و همکاران، ١٣٩١، ١٧). به عبارت دیگر چون موضوع ضمان، اموال خارجی است و از آنجا که قدرت خرید صفتی انتزاعی بوده و منشاء انتزاع آن نوسانات کالاها و خدمات است(به تعبیری دیگر تغییر و نوسان در خود پول نیست بلکه عرصه این تغییرات کالاها و خدماتند)، براین اساس نمی‌توان کاهش ارزش پول را جبران کرد زیرا این صفت از صفاتی ذاتی پول محسوب نمی‌شود(سعیدی،١٣٨٥، ٢٠٤-١٧٩)

در حقیقت از آنجایی‌که از میان ویژگی اشیاء تنها خصوصیات ذاتی مثل سیاهی و سفیدی در مثلی بودن آن دخالت دارند، ارزش و قدرت خرید پول که از نظر عرف از مقومات پول نیست، بلکه از عوارض و حالات آن است، هیچ مدخلیتی در مثلی بودن ندارد؛ ازاین جهت طلبکار نمی‌تواند بیشتر از مبلغ مزبور مطالبه کند و افزایش یا کاهش قدرت خرید تأثیری در این حکم ندارد.

دلیل دوم: مواجه شدن با ربا

دومین دلیل اساسی برای عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول، مواجه شدن با ربا است. که حرمت آن در نزد همه‌ی فقها معلوم و روشن است لذا ضمان کاهش ارزش پول منجر به ربا می‌شود؛ زیرا زیادتر از مبلغی اسمی دَین مصداق ربا بوده و حرام می‌باشد. بنابراین اگر در هنگام بازپرداخت دَین، بیش از ارزش اسمی پول پرداخت شود، مقدار زیادی ربا خواهد بود. و از نظر عرف، پول کالایی با ارزش محسوب می‌شود نه عین ارزش(یوسفی، ۱۳۸۱، ۲۱۹).

بنابراین اگر ارزش و قدرت خرید حقیقی پول ملاک قرار گیرد، از مصادیق ربا خواهد بود. آیت الله جعفر سبحانی می‌فرماید: «چیزی را که به عنوان قرض‌الحسنه داده است، فقط می‌تواند مثل آن را بگیرد ... و اگر بیش از آنچه پرداخته است به عنوان تورم و کاهش ارزش پول بگیرد، ربا خواهد بود»(سبحانی، ش٦، ۱۳۷۲، ۹۲). آیت الله فاضل لنکرانی می‌فرماید: «اگر کسی صد تومان مدیون باشد نمی توان در اثر تغییرات قدرت خرید گاهی او را به نود تومان، در برخی اوقات دیگر او را به صدو ده تومان مدیون دانست و اگر چنین باشد موضوع برای ربای قرضی باقی نمی ماند و الزام به این معنی صحیح نیست، لذا در فرض سؤال اگر پول، مهریه واقع شده باشد، شرعا زوجه همان مقدار پول را طلب دارد و نمی‌تواند زاید بر آن چیزی بگیرد و لو اینکه ارزش آن کم شده باشد».[۱]

بنابراین، محور اصلی در تمام مبادله‌های اقتصادی و معامله‌هایی که با پول انجام می‌شود، ارزش اسمی پول است. پول در واقع یک مال مثلی است شبیه درهم و دینار صدر اسلام نه چیز دیگر، چون قدرت خرید از عارض و حالات پول است نه از مقومات پول، مثلا وقتی که شخصی پول اعتباری قرض می‌گیرند، در عرف امروزی نمی‌گوید که طرف قدرت خرید را قرض گرفته، بلکه همان پول اسمی را قرض کرده است.

---

[۱]. پاسخ ایشان به نامه‌ی شماره ٥٦/٦١٩/د، مورخه ۱۳۷٥/۷/۱۸، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.

دلیل سوم؛ ثبوت ارزش اعتباری پول

صاحب پول ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید را طبق یک معامله شرعی و عقلایی به دست آورده و خواستار حفظ کامل این ارزش مبادله‌ای است. اما در حالت کاهش ارزش پول- نه گرانی و افزایش قیمت برخی کالاها-این ارزش از دست وی خارج می‌شود. پول، مالی اعتباری و دارای ارزش اعتباری است نه واقعی. بنابراین ارزش و توان خرید پول هیچگاه بالا و پایین نمی‌رود و از ثبوت لازم برخوردار است. مگر اینکه دولت‌ها بخاطر سیاست‌های شان در صدد خلق نقدینگی براید و ارزش این پول را دچار تغییرات نماید. به عبارت دیگر پول امروزی چون ارزش واقعی و ذاتی ندارد، قابل کاهش یا افزایش نیست بلکه اعتباری محض است و کم ارزش شدن و یا با ارزش شدن آن به اعتبار سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها بستگی دارد(شمس، ۱۳۷٦، ۳۲).

پول‌های امروزی دارای ارزش اعتباری مستقل هستند، باید در دیون و سایر روابط پولی ارزش مستقل اسمی آن را ملاک قرار داد نه قدرت خرید پول را(فاضل لنکرانی، ج۱، ۱۳۷۵، ۲٦۵). هم‌چنین ایشان در فتوایی دیگر می‌فرماید: پول رایج روز گرچه دارای ارزش اعتباری است، ولی ارزش اعتباری مستقل دارد و ارزش اعتباری آن، ارتباطی به قدرت خرید ندارد. به عبارت دیگر پول گرچه از نظر مصرف استقلال ندارد، به خلاف کالا، ولی از نظر ارزش اصالت دارد... و اعتبار نیز با این معنی مساعد است؛ زیرا اگر کسی یک سال قبل صد تومان مدیون باشد، نمی توان به اعتبار ارزانی و گرانی هر روز مقدار دین را تعیین کرد، به‌طور که یک روز صد تومان بدهکار باشد و روز دیگر دویست تومان و روز سوم صدو پنجاه تومان(فاضل لنکرانی، ج۱، ۱۳۷۵، ۲٦٦).

دلیل سوم؛ نوع نگاه مردم به خود اسکناس

معمولا مردم نگاه شان به دین و پرداخت‌های مالی، نگاهی به خود اسکناس دارند نه به ارزش و قدرت خرید آن و هم‌چنین نوع مردم هنگام قرض گرفتن پول شرطی نمی‌کند که وقت پرداخت ارزش و قدرت خرید آن محفوظ بماند. لذا جبران کاهش ارزش پول در چنین دَین‌ها درست نیست. آیت الله سبحانی می‌فرماید:

او [وام دهنده] به هنگام پرداخت وام، شرط حفظ ارزش و مالیت نکرده و بر یک

اصل مسلم در باب وام «مِثلاً بِمثلٍ» تکیه کرده است؛ و آن، اینکه آنچه را می‌گیرد عوض آن را از خود آن بدون کم و زیاد بپردازد. و ضرر از جانب خود وام دهنده است که به حفظ ارزش پول خود توجه نکرده، باید متحمل آن شود. به عبارت دیگر او اسکناس را که دارای ارزش است نه ارزش خاص و معین، قرض داده است و باید همان را پس بگیرد. نتیجه اینکه تورم در چنین وام‌هایی تأثیر نخواهد گذاشت(سبحانی، ش٦، ١٣٧٢، ص٩٢).

دیدگاه دوم: جواز جبران کاهش ارزش پول

دیدگاه دوم این است که طرف را ملزم به جبران کاهش ارزش پول می‌کند، از این رو ارزش و قدرت خرید حقیقی پول ملاک و معیار می‌باشد و در اثر تورم چون ارزش و قدرت خرید حقیقی پول کاهش پیدا می‌کند، لذا باید جبران گردد. کاهش سالیانه و حتی ماهیانه ارزش پول به گونه‌ای است که در برخی مواقع مانند مهریه پرداخت نشده و دیون معوقه با مدت طولانی، ادای دین تا حد یک هزارم ارزش اولیه یا کمتر کاهش می‌یابد.

دیدگاه فوق بر این باورند که پول برحسب ارزش اسمی خود از اموال مثلی است و نه از حیث ارزش حقیقی. به عبارتی قدرت خرید از عوارض و حالات پول است و مقوم مثلی بودن آن نیست. از این‌رو در قرض، کاهش ارزش حقیقی پول قرض‌دهنده، ملزم به جبران نمی‌شود. از این جهت مخالفین جبران کاهش ارزش پول به طور طبیعی، راهکاری همچون شرط نمودن پرداخت ارزش حقیقی پول در ضمن عقد را طرح کرده‌اند. بر این اساس کاهش ارزش حقیقی پول تنها در صورتی قابل جبران است که در قالب شرط ضمن عقد اصلی، مشروط شده باشد.

دلیل اول؛ قدرت خرید پول

سه ویژگی مهم برای پول وجود دارد، نخست اینکه پول باید معیار سنجش ارزش‌ها باشد، بنا به نظر برخی از اقتصاددانان تمام این ارزش در قدرت خرید پول خلاصه می شود (توسلی،١٣٨٤: ١٤٨). دوم اینکه باید قدرت ذخیره کردن ارزش را داشته باشد و سوم اینکه باید واسطه مبادلات باشد. این ویژگی‌های پول باعث شده که اقتصاددانان در باره ماهیت و تغییرات ارزش پول دچار اختلاف نظر شوند.

نزاع بر سر جبران کاهش ارزش پول به دلیل تمرکز هریک از گروه‌های فوق الذکر بر معیار سنجش ارزش و یا قدرت ذخیره ارزش پول می‌باشد. آنان که قائل به قیمی بودن پول هستند و قدرت خرید آن‌ها برایشان پررنگ جلوه کرد، ذخیره کردن ارزش را مورد توجه قرار دادند و کسانی که مدافع مثلی بودن پول هستند به مؤلفه معیار سنجش بودن پول توجه کرده‌اند. در حالی‌که پول باید هر سه ویژگی را داشته باشد.

با این تفاسیر، عده‌ای از افراد به هر دلیلی میل ندارند که درآمد خود را سریع خرج کنند. از این‌رو پول در جایگاه وسیله ذخیره ارزش این امکان را فراهم می‌سازد که افراد قدرت خرید خود را تا زمان خرید و مصرف کالا و خدمات به تعویق بیاندازند.

شهید صدر﵀ نخستین کسی است که در این رابطه بحث و پژوهش کرده است. این اندیشمند مسلمان در کتاب «الاسلام یعقود الحیاة» درباره پول‌های کاغذی می‌فرماید:

پول‌های کاغذی اگرچه مال مثلی است اما مثل آن فقط همان کاغذ نیست؛ بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند؛ از این‌رو، اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران قیمت حقیقی آنچه که دریافت کرده است، پرداخت کند مرتکب ربا نشده است(صدر، ۱۳۸۲، ۲٤۷). ایشان در ادامه می‌گوید: «قیمت حقیقی براساس طلا و ارز اندازه گیری می‌شود» (همان). از این رو اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذران، قیمت حقیقی آنچه را که دریافت کرده است، پرداخت کند مرتکب ربا نشده است.

از کلام شهید صدر﵀ می‌توان چنین استنباط نمود که وی قیمت حقیقی یا قدرت خرید را جزء و ویژگی اصلی و صفت حقیقی و ذاتی پول کاغذی میبیند؛ زیرا آن را در مثلیت پول دخیل می‌داند و نیز حکم به عدم ارتکاب ربا در هنگام بازپرداخت سپرده به قیمت حقیقی قرینه دیگری است که وی قیمت حقیقی و به تعبیری «قدرت خرید» را جز و ویژگی اصلی و صفت ذاتی و حقیقی پول کاغذی کنونی می‌داند. آیت الله بجنوردی تمام حقیقت و هویت اسکناس را قدرت بر خرید می‌داند که به وسیله مرجعی معتبر به آن داده شده است (موسوی بجنوردی،۱۳۷۲، ۱۱۰) آیت الله شاهرودی نیز تمام هستی و اساس پول را ارزش و توان خرید می‌داند(هاشمی شاهرودی،۱۳۷٤، ٦٨-٦٦) این علما

مدافع جبران ارزش کاهش یافته پول هستند و حتی آیت‌الله بجنوردی از به‌کار بردن عبارت جبران نهی می‌کند و می‌گوید این مقدار اضافه جبران نیست بلکه اصل پول است. لذا طرفداران حفظ قدرت خرید پول یا جبران کاهش ارزش پول را طرفداران قیمی بودن پول و عده مقابل را طرفداران مثلی بودن پول می‌دانند.

یوسفی با تعبیر دیگری این مبنا را جلو برده است و از پول به عنوان یک ارزش اعتباری یا مالیت اعتباری یاد می‌کند؛ و پول را دارای مالیت اعتباری می‌داند؛ با رویکرد مالیت اعتباری و با تفکیک بین اسکناس و پول تحریری به این نتیجه رسیده که اسکناس، پول فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام است و پول تحریری شی‌ای غیرفیزیکی است که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام دارد(یوسفی،۱۳۷۷، ٦١-١). فلسفه وجودی پول بیان ارزش‌ها ومشخص کردن نسبت‌های مختلف ارزش‌ها بین کالاها و خدمات است(یوسفی، ۱۳۸۱، ۲۳). در حقیقت پول رایج هرزمان بیانگر ارزش‌های است که با آن کالا و خدمات را می‌توان خریداری نمود. ازاین جهت باید در دیون، جنایات و ضمانت‌ها باید قدرت خرید لحاظ شود و این قدرت خرید در زمان‌های مختلف متفاوت است(نوری همدانی، ٥٦/٦١٩/٨د). البته از آنجایی که پول کاغذی[1] و تحریری[2] نیز جزء حفظ مالیت و ارزش، خاصیت دیگری ندارد که آن هم در صورت الغای مالیت یا کم شدن ارزش از بین می‌رود(موسوی اردبیلی، نامه ٤٥٣، ١٣٧٥/٧/٢١)، اگر در طول زمان و بر اثر تورم ارزش و مالیت آن کاهش یابد یا از بین برود، در دیون و روابط مالی- پولی باید جبران شود(یوسفی، ۱۳۸۱، ۲۳۱). گرچه پول امروزی نیز مثلی است ولی قدرت خرید و ارزش حقیقی در آن دخیل است و این قدرت خرید از خصوصیات ذاتی پول است و نه خصوصیات نسبی آن. توان و قدرت خرید پول در نگاه عرفی و عقلایی همچون صفت

[1]. پول کاغذی به اسکناس های گفته می شود که برای انجام معاملات و مبادلات در میان مردم و بازار در حال گردش باشد.

[2]. پول تحریری عبارت است از اینکه عقلا عالم برای اینکه مبادلات و معاملات شان روان و آسان گردد و با کمترین هزینه انجام گیرد، اختراع نموده. این نوع پول در واقع هیچگونه ارزش ماده فیزیکی نداشته و صرفا جهت ارزش مبادله‌ای اعتباری عام دارد مانند چک.

حقیقی بکار می‌رود و همانطور که اگر خود جنس پول و یا اوصاف جنس توسط فعل زیان‌بار دیگری از بین برود باید جبران شود، کسر مالیت و قدرت خرید آن هم الزاماً نیازمند جبران است (طباطبایی و سرمدی، ١٣٩٤: ٥٦-٥٧).

در قانون مدنی کشور ایران نیز نظریه لزوم جبران کاهش ارزش پول را به نحوی پذیرفته است؛ بر این اساس در صورت وجود تورم باید کاهش ارزش پول بر اساس نرخ تورم رسمی اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی جبران شود. در این جهت، قانونگذار با الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی (در مهریه‌ای که وجه رایج باشد) و نیز در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص جبران خسارت در دَین به تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد این اصل را تأیید و تصویب نموده تا بخشی از ضرر افراد جامعه جبران گردد.

بنابراین ما در روایات تعبیر مثلی و قیمی بودن پول را نداریم؛ عنوان مثلی و قیمی حقیقت شرعیه نیستند و ملاک و مناط احکام ما قرار نمی‌گیرند؛ اما اگر بپذیریم که کاهش ارزش پول باید جبران شود، در ثمن معامله تمام بیع‌های ناهمزمان سلفی و نسیه‌ای مشکل به وجود می‌آیبد.

آن چه در نظر عرف اهمیّت دارد مالیّت، ارزش مبادله و قدرت خرید آن است(یوسفی، ۱۳۷۷، ۱۷۳). پس ارزش مبادله‌ای پول‌های امروزی در مالیّت آن‌ها نقش اساسی دارد و چنان‌که پیش از این گفتیم، مسأله مثلی یا قیمی بودن اشیا یک امر عرفی است. اگر در طول زمان ارزش مبادله ای پول تغییر کند، چنانچه این تغییر کم و ناچیز مثلاً دو درصد باشد، عرفِ عُقَلا آن را هیچ می‌شمارد، ولی اگر مثلاً تورّم ۵۰ درصد یا ٤٠ درصد باشد، در این جا، عرف جامعه، ۱۰۰هزارتومان اول سال را با ۱۰۰هزار تومان آخر سال یکی نمی‌شمارد از این روست که باید به قدرت خرید پول به عنوان مثل نگریست؛ زیرا عرف هزار تومانی را که به اندازه پانصد تومان ارزش دارد، مثل هزار تومانی که قدرت خرید هزار تومان را داشت نگاه نمی کند. به عبارت دیگر، می توان گفت در این حال، پول به عنوان یک کالای قیمی و نه مثلی به شمار می‌آید.

دلیل دوم؛ قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یک قاعده عقلی و عرفی است که در اسلام به وسیله حدیث نبوی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» تایید شده است و نه اینکه این قاعده وضع و تاسیس اسلام باشد (سیستانی، ١٤١٤: ج٢، ٢٩٤). همچنین از آنجاکه پول اعتباری استواری و حیثیتش به ارزش مبادله‌ای آن در بازار وابسته است، با کاهش ارزش در طی زمان زیان نزد عرف عام صادق می‌باشد (هاشمی شاهرودی، ١٤١٧:٨٢). بنابراین کاهش ارزش حقیقی و قدرت خرید پول به نوعی ضرر به حساب آمده و حسب این قاعده، ضرر وارد شده به دارنده پول که خارج از توان و اختیار وی بوده، باید توسط خسارت زننده جبران شود.

البته گرچه زیان و ضرر بودن کاهش قدرت خرید پول از نگاه عرفی امری مقبول و روشن است اما در مباحث فقهی بین فقها اختلاف زیادی وجود دارد که عمدتاً مربوط به این نکته می‌شود که آیا قرض‌گیرنده ملزم به جبران کاهش ارزش پول قرض گرفته از قرض دهنده است یا خیر. اما در مجموع به نظر می‌رسد دلایل موافقین قابلیت جبران این کاهش ارزش، قوی‌تر از دلایل رقبا است (طباطبایی و سرمدی، ١٣٩٤، ٧٠).

دلیل سوم؛ قاعده اتلاف

مفاد قاعده اتلاف (من أتلَف مالَ الغَیرِ فَهو لَه ضامن) در کتب حدیثی نیامده ولی از چندان شهرتی برخوردار است که به عنوان حدیث معصوم تلقی شده و مورد استناد فقها قرارگرفته است. در این قاعده نیاز نیست که اتلاف‌کننده عمدی داشته باشد همین که انتساب فعل زیان‌بار به وی اثبات شود کافی است، ولو آنکه او قصد و عمدی در اتلاف مال دیگری نداشته باشد. از آنچه در خصوص مستندات و قلمرو قاعده اتلاف وجود دارد چنین استفاده می‌شود که هر فرد حقیقی یا حقوقی (دولتی یا غیردولتی)، مال دیگری را از بین ببرد، حال چه خود مال از بین برود یا مالیت آن، یا کارایی آن، به طور کامل از بین برود یا بخشی از آن نابود شود، از روی ناآگاهی انجام شود یا به صورت عمد، در تمامی این صور ضمان وجود دارد، با این تفاوت که در جایی که عمد باشد افزون بر ضمانت، کیفر هم وارد است (جعفری و باقری، ١٣٩٣: ١٠٧).

بنابراین، براساس قاعده اتلاف مبنی بر«من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» اتلاف کننده

اسکناس، مالی را اتلاف نموده و ضامن جبران آن می‌باشد و چون حقیقت اسکناس قدرت خرید می‌باشد، شخص متلف(تلف کننده) باید به همان میزان مالیتی را که اتلاف کرده است جبران نماید، زیرا امروزه در اثر تورم و نوسان قیمت‌ها در بازار، ارزش پول کاهش می‌یابد و در مبلغ پرداختی، صِرف تعداد اسکناس‌ها محاسبه نگردد؛ بلکه میزان قدرت خرید پول نیز محاسبه گردد. لذا می‌توان گفت که کاهش ارزش حقیقی و قدرت خرید پول را مصداق اتلاف مال نامید و متلِف را ملزم به جبران نمود.

دلیل چهارم؛ تفاوت پول امروزی با صدر اسلام

از اموری که ما را در شناسایی دقیق پول‌های امروزی کمک می‌کند، پاسخ به این پرسش است که آیا پول‌های امروزی یک پدیده اقتصادی مستحدثه بوده و با پول‌های صدر اسلام تفاوت دارند و یا این که با پول‌های صدر اسلام تفاوت‌های اساسی نداشته و مثل طلا و نقره سابق بوده و در نتیجه، پدیده مستحدثه محسوب نمی‌گردند؟

با توجه به تفاوت‌های اساسی که بین طلا و نقره و پول‌های امروزی وجود دارد، به نظر می‌رسد که پول‌های امروزی از نظر مصداق یک پدیده مستحدثه باشند. بنابراین پول‌های امروزی را در تمام جهات نمی‌توان به پول‌های سابق ملحق کرد. باید پول‌های امروزی را به عنوان یک پدیده اقتصادی به طور مستقل در نظر گرفت تا جهات و ویژگی‌های خاص آن را کشف نموده و آن گاه بر اساس آن ویژگی‌ها، وضعیت به کارگیری آن را در اقتصاد معلوم کرد.

پول در صدر اسلام به علت ماهیتی آن پول که در آن دوره داشته، پرداخت دیون به همان مقدار یوم القرض کفایت می‌کرده، زیرا پول‌های رایج در اقتصاد صدر اسلام دینار و درهم بوده که به لحاظ ماهیت دارای قدرت ذاتی هستند. از این جهت اگر طرف در زمان قدیم درهم و دینار را قرض می‌گرفته و از زمان قرض چندین سال می‌گذشته، این گذر زمان نوسانی در قدرت خرید پول ایجاد نمی‌کرده است. اما پول‌های رایج امروززی به خاطر تورم و تغییر سیاست‌های پولی دولت‌ها، دارای نوسانات بسیار زیاد می‌باشد. به این ترتیب تمام حقیقت اسکناس چیزی جزء قدرت خرید اعتباری و مقدار توانایی برای رفع احتیاجات انسان‌ها نیست(موسوی بجنوردی،ش۷، ۱۳۷۵، ۳۹). همین امر باعث تفاوت در

ماهیت پول امروزی با طلا و نقره در زمان قدیم می‌گردد. پس امروزه برای ادای دیون باید ماهیت پول امروزی که مالیت و قدرت خرید است، ملاک ارزیابی قرار گیرد لذا به هر میزان که در طول این مدت از ارزش و قدرت خرید پول کاسته شود طرف ملزم است که در پی جبران شان براید و این کاهش ارزش را جبران نماید.

آیت الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی می‌فرماید: «اسکناس از جنس درهم و دینار محسوب نمی‌شود و دارای ارزشی مشخصی است و احکام دینار و درهم بر اسکناس امروزی جاری نمی‌شوند. بنابراین جایز است که اسکناس را به اسکناس‌های بیش از خود یا درهم و درینارهایی بیش از خود خرید و فروش کرد»(طباطبایی یزدی، ج۲، بی‌تا، ٤٨). آیت الله خویی می‌فرماید: احکام صرف بر انواع پول‌های کاغذی رایج امروزه مانند دینار عراقی، تومان ایرانی، دلار و پوند و دیگر پول‌های کاغذی رایج در این عصر نمی‌شود. پس فروش این پول‌ها به یکدیگر صحیح است(خویی، ج۲، ٥٦).

آیت الله طباطبایی یزدی در حاشیه مکاسب می‌گوید: مبرهن است که در هردوره‌ای نیازمند این هستیم که مثلی و قیمی را تعیین کنیم. مثلی و قیمی برحسب ازمنه و امکنه متفاوت است و آن مواردی که فقها و علما به عنوان مثلی و قیمی برشمرده اند، نسبت به زمان و مکان خودشان بوده و برای مکان و زمان دیگر حجیت نخواهد داشت(طباطبایی یزدی، ج۱، ۱۳۷۸، ٩٦).

از فتواهای فقها فهمیده می‌شود که پول‌های کاغذی و اسکناس از موضوعات جدید فقهی و به اصطلاح از موضوع‌های مستحدثه اند که احکام خاص خود را دارند و از درهم و دینار در این زمینه مستقل هستند.

دیدگاه سوم؛ مشروط یا تفصیل در مسئله

براساس این نگاه، اگر تغییرات و کاهش ارزش پول به صورت محسوس صورت گرفته باشد، باید جبران نماید، اما اگر این کاهش و تغییرات در ارزش پول زیاد نباشد، جبران آن لازم نیست.

لذا تغییر ارزش پول را به دو قسم تقسیم نمود؛ برخی مواقع این تغییر ارزش پول به‌صورت واضح و روشن در جامعه وجود دارد و عامه مردم نیز این تغییر زیاد را قبول

دارد؛ در این صورت باید جبران کاهش ارزش پول صورت گیرد؛ اما اگر این تغییر ارزش پول به‌صورت زیاد و روشن در بین مردم دیده نشود و مردم اعتنای به این مقدار تغییرات بوجود آمده نداشته باشد؛ در این صورت جبران لازم نخواهد بود.

آیت الله مکارم شیرازی در باره مطالبه مهریه بعد از ۳۰ سال می‌فرماید:

در چنین مواردی که با گذشت زمان تورم فاحشی حاصل شده است، باید مهریه با توجه به نرخ متوسط تورم اجناس مختلف محاسبه و پرداخت گردد(فهیمی، ۱۳۸۵، ۱۵۱). ایشان معتقد است که: اگر تورم در زمان کوتاه و مقدار آن معمولی باشد، محاسبه نمی‌شود؛ زیرا همیشه تغییراتی در اجناس و قدرت خرید پول پیدا شده و می‌شود و سیره مسلمین و فقها بر عدم محاسبه تغییرات جزئی بوده است. ولی اگر تورم شدید و سقوط ارزش پول زیاد باشد، تا آن حد که در عرف پرداختن آن مبلغ، اداء دین محسوب نگردد، باید براساس وضع حاضر محاسبه کرد و در این مسئله تفاوتی میان مهریه و سایر دیون نیست(یوسفی، ش٦، ۱۳۸۱، ۳۱۵). آیت الله موسوی اردبیلی می‌گوید: بحث مثلی و قیمی شامل کالاهای واسطه (پول) نمی‌شود ولی اگر کسی مثلا صد تومان به هر علتی برعهده داشته باشد، مادامی که ارزش پول فرق فاحشی نکرده باشد، همان را مدیون است و در صورتی که فرق فاحشی بکند باید ارزش در نظر گرفته شود و یا مصالحه کنند(موسویان، ش٤، ١٣٨٤، ٣).

آیت الله صافی گلپایگانی می‌فرماید باتوجه به اینکه داین مطالبه نموده و از طرف دیگر تغییر فاحش ارزش پول بوجود آمده باشد، جبران کاهش ارزش پول را لازم است. ایشان می‌گوید: «به‌طور کلی اگر بدهی اشخاص اسکناس رایج و مانند آن باشد و موعد پرداخت آن رسیده باشد،... و با مطالبه داین، بدهکار تأخیر در ادا نماید و ... مالیت و قدرت خرید آن زائد از متعارف و به نحو غیر متسامح‌فیه کاهش یابد، ظاهر این است که عرفا طلبکار متضرر شود و بدهکار نسبت به ضر مذکور ... ضامن می‌گردد... اسکناس که تمام اعتبار و مالیت آن به همان قدرت خرید است و مقصود بالاصاله از آن توسل به خرید و تملک اشیا است؛ بنابراین نقصان مالیت آن مثل نقصان عینی کالا است، چون زیان خارجی آن منهای این مالیت اعتباری مقصود نیست و لذا نقصان آن عرفا ضرر است و اگر عدوانا

واقع شود موجب ضمان است؛ خواه در ذمه باشد و خواه در خارج(یوسفی، ۱۳۸۱، ۲٦۹).

براساس این دیدگاه، تغییر ارزش پول در دو فرض تغییر غیر فاحش و تغییر فاحش قابل تصور دانسته شده و جبران کاهش ارزش پول را در صورت تغییر فاحش جایز و لازم و در غیر این صورت درست نیست.

از طرف دیگر پذیرفتن تفاوت ارزش پول باعث غرری شدن تمام معاملات می‌شود؛ برای مثال جنسی را به مبلغ ده میلیون تومان پرداخت می‌کنید و باید سه ماه دیگر این مبلغ را تسویه کنید؛ اگر دچار کاهش ارزش پول باشیم، ده میلیون تومان کنونی شاید در سه ماه آینده حدود ۹ میلیون تومان خواهد بود، این جهل به قدرت خرید در زمان دوم باعث غرری بودن معامله و جهل نسبت به قیمت که یکی از ارکان معامله است خواهد شد؛ درباره بیع، سلف و اجاره‌ها همین اتفاق می‌افتد.

نتیجه

کاهش ارزش پول یا همان تورم یکی از مسایل مهم اقتصادی است. که در طی سال‌های اخیر در کشورها بوجود آمده است. مسئله لزوم یا عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول بین فقها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، این تورم و کاهش ارزش پول در برخی احکام ابواب فقهی نظیر خمس، معاملات مدت‌دار، دیون معوقه، مهریه، قرض(ربا) و ضمان تأثیر زیادی دارد. در این تحقیق به برخی دیدگاه فقهاء اشاره نمودیم

۱. دیدگاه اول اینکه فقها جبران کاهش ارزش پول را جایز نمی‌دانند مطلقا؛ این دیدگاه، نگاه غالب قریب به اتفاق فقها می‌باشد

۲. دیدگاه دوم قایل به جواز جبران کاهش ارزش پول هستند

۳. دیدگاه سوم نگاهی تفصیلی به جبران کاهش ارزش پول است.

با توجه به ویژگی بارز پول‌های امروزی؛ یعنی پایین آمدن ارزش آن و وجود تورّم روز افزون، تعیین قیمی بودن یا مثلی بودن پول نقش اساسی دارد؛ زیرا چنانچه پول را مثلی دانستیم، باید همان مقداری را که قرض گیرنده قرض کرده است، بپردازد و این امر، زیان‌های فراوانی برای قرض دهنده دارد. برای مثال، اگر پول را مثلی بدانیم، کسی‌که سال پیش یک میلیون تومان قرض کرده است، باید همان یک میلیون تومان را پس بدهد که

روشن است، قدرت خرید یک میلیون تومان در ده سال پیش چندین برابر قدرت خرید امروزی است، ولی اگر پول را قیمی بدانیم، قرض گیرنده می بایست قیمت به روز، قرض گرفته شده را بپردازد؛ یعنی قدرت خرید یک میلون تومان در ده سال پیش را پرداخت کند. در این صورت، به هیچ طرف ظلم نمی شود. چنانکه در عرف و جامعه امروزی نیز پول را به عنوان یک مال مثلی برخورد نخواهد کرد. در واقع مثلی بودن و قیمی بودن باید به عرف امروزی مراجعه نمود.

بنابراین مهمترین ویژگی پول که باید مورد تأکید قرار گیرد حالت ثبات ارزش پول است. چون خود پول ملاک و محور سنجش تمام ارزش‌های اقتصادی قرار گرفته و یکی از وظایف اصلی پول حفظ یا ذخیره ارزش اقتصادی است و مردم بر اساس اعتماد به آن تمام روابط مالی کوتاه‌مدت و درازمدت خود را با آن انجام می‌دهند.

از این جهت به نظر می‌آید که ماهیت پول امروزی اساساً متفاوت است؛ چنانکه قبلا گفته شد که یکی از وظایف اصلی پول حفظ ارزش، یعنی حفظ قدرت خرید است. کاهش ارزش آن در شرایط تورمی ضمان آور است و جبران برعهده مدیون خواهد بود. افزون بر این دلایلی همچون حفظ قدرت خرید پول، قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و نگاه جامعه نسبت به خود اسکناس مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول را بیان می‌کند.

فهرست منابع

۱. ایزدی فرد، علی اکبر؛ ابهری، حمید؛ بهرامی، حسین(۱۳۹۱)؛ مفهوم و ماهیت پول و ضمان مربوط به کاهش ارزش و خسارت تأخیر تأدیه در بازپرداخت قرض اسکناس، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم.

۲. توسلی، محمداسماعیل(۱۳۸٤)بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه وران اسلامی درباره ماهیت پول، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.

۳. جعفری، جمیله و احمد باقری(۱۳۹۳)، مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت ضمان دولت در پرداخت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، دوفصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره۱۰.

٤. خویی، ابوالقاسم(۱۳۷۱)، مصباح الفقاهه، جلد۳، قم، نشر وجدانی، چاپ سوم.

۵. خویی، سید ابوالقاسم(۱٤۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم.

٦. سبحانی، جعفر(۱۳۷۲)، مجله‌ی رهنمون، شماره ٦.

۷. سیستانی، سیدعلی، پاسخ به نامه شماره ٥٦/۱۹٦/۱۳ و مورخه ۱۳۷۵/۷/۲٤ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران.

۸. سعیدی، محسن(۱۳۸۵)، نظریه جبران کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت(فارسی)، سال دوازدهم، شماره ٤۵

۹. سیستانی، سید علی(۱٤۱٤ق)، لاضرر و لاضرار، قم: نشر مکتب آیت‌العظمی سیستانی.

۱۰. شمس، سیدحسین(۱۳۷٦)، فصلنامه فقه اهل بیت، قم، سال سوم، شماره۹

۱۱. صدر، سیدمحمدباقر(۱۳۸۲)؛ الاسلام یقود الحیاه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۱۲. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم(بی‌تا)، ملحق العروه الوثقی، منشورات داوری، قم.

۱۳. طباطبایی یزدی، محمد کاظم(۱۳۷۸)، حاشیه المکاسب، جلد۱، قم، موسسه اسماعلیان آل البیت، چاپ اول.

۱٤. طباطبایی یزدی، محمدکاظم(۱۳۷٦)، سوال و جواب (فارسی)، به اهتمام مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران چاپ اول.

۱۵. طباطبائی، سید محمدصادق و پگاه سرمدی(۱۳۹٤)، بررسی فقهی و حقوقی قابلیت جبران ضرر ناشی از کاهش ارزش پول، دوفصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره۱۰.

۱٦. فاضل لنکرانی، محمد(۱۳۷۵)، جامع‌المسائل، قم: انتشارت امیرالعلم، جلد۱، چاپ دوم

۱۷. فاضل لنکرانی، محمد(۱۳۷۵)، جامع المسائل، قم، موسسه مطبوعاتی امیر، چاپ اول،
۱۸. فهیمی، فاطمه(۱۳۸۵)؛ حقوق مالی زن، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ دوم،
۱۹. کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۸)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها: اجرای قرارداد، جلد٤، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم،
۲۰. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، پاسخ به نامه شماره ٤٥٣، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۳۷۵/۷/۲۱.
۲۱. موسوی بجنوردی، سید محمد(۱۳۷۵)، احکام فقهی پول، فصلنامه فقه اهل بیت، سال دوم، شماره۷،
۲۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد(۱۳۷۲)؛ «نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول»؛ مجله رهنمون، ش٦
۲۳. موسوی‌خمینی، روح الله(۱۳۸۰)، استفتائات، جلد۲، انتشارات اسلامی قم، چاپ اول
۲٤. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیلهٔ، ج۱
۲۵. موسویان، سیدعباس(۱۳۸٤)، بررسی فقهی–حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران، فصلنامه فقه و حقوق، شماره٤،
۲٦. نوری همدانی، حسین، پاسخ به نامه شماره ٥٦/٦١٩/٨د، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
۲۷. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود(۱٤۱۷ق)، مقالات‌الفقیهه، بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه،
۲۸. هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمود(۱۳۷٤)؛ «احکام فقهی کاهش ارزش پول»؛ مجله فقـه اهل البیت، شماره ۲
۲۹. یوسفی، احمدعلی(۱۳۸۱)، ربا و تورم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۳۰. یوسفی، احمدعلی(۱۳۸۱)؛ بررسی فقهی نظریه های جبران کاهش ارزش پول، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۳۱.
۳۱. یوسفی، احمدعلی(۱۳۷۷)؛ ماهیت پول؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.